

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

۲۴ مارچ ۲۰۱۵

اشکی بر تابوتِ فرخنده!!!

سقوط در پرتگاهِ وحشت!!!

در محنتکده افغانستان، از ضعف دولت، همه امور، ملعبه دست همگان شده است. محکمه صحرائی اخیر و به آتش کشیدن یک دختر جوان به نام "فرخنده"، نمونه بارزی از وحشت و جنون خودسرئی ست، که متأسفانه تعدادی از مردان شهرنشین کابل به زعم خود در راه خدا انجام دادند. «فرخنده» بی گناه امروز به خاک سپرده شد، و لکه ننگینی در دامن عاملین این فاجعه تا ابد باقی ماند و صفحات درخشان تاریخ ما با صفحه ای خیلی سیاه، مکرر گردید. من هم در کنار سوگواران این شهید دست جهالت، با سروده ای این فاجعه نfert انگیز بی مانند را شدیداً تقبیح و محکوم میکنم:

ای خدای بی نیاز و کارساز
اشکریزان این حکایت میکنم
گرچه نام "پاک" ما، انسان بود
گر بگردد خوی ما، چون اژدریم
میدریم و شادمسانی میکنیم
بس که انسان را گناه است و عقاب
آسمان از ما گریزان میشود
این مذلت قسمت این ملت است؟؟؟

با تو از این خاکدان، دارم نیاز
از بشر، در شر، شکایت میکنم
خصلت ما بدتر از حیوان بود
گرگ آسا رمه هار را میدریم
نفی حکم آسمانی میکنیم
تیره گردد آفتاب و ماهتاب
مهر و انجم، رویگردان میشود
یا نصیب شان ترور و وحشت است؟؟؟

گوشه چشمی به این محصور کن لکـــه این ننگ از ما دور کن
آب رحمت بر زمین ما بریز
تا نباشد بیش ازین جنگ و ستیز

(م. نسیم «اسیر» ۲۲ - مارچ ۲۰۱۵ع، فرانکفورت)